

## **Identifying the Effective Factors in Promoting Participatory Criminal Policy in the Police Force of the Islamic Republic of Iran**

Seyyed Ahmad Mousavi<sup>1</sup> – Sa'di Azizi<sup>2</sup> – Mohammad Barani<sup>3</sup> –  
Masoud Yarahmadi<sup>4</sup>

### **Abstract**

**Background and objectives:** Countries with dynamic criminal policies have community-based policing organizations that, instead of relying on repressive tools in dealing with crime, engage in extensive and constructive interaction with all elements of society, especially the people and social institutions, to support society in maintaining order. Such interaction is a clear symbol of the concept of participatory criminal policy. The purpose of this study was to identify the factors affecting the promotion of participatory criminal policy in the police force of the Islamic Republic of Iran.

**Methodology:** This study has been done with a qualitative approach and Delphi method. The statistical population of this study includes 15 professors of Amin Police University and officials of I. R. I. Police Social Affairs Deputy and various categories of specialized police officers of I. R. I. Police Headquarters, with MA and PhD degrees in law, sociology and management, with scientific and practical jobs related to crime prevention. They were purposefully selected and their opinions were collected during three stages of Delphi panel implementation. The data were analyzed using SPSS software and one-sample t-test.

**Findings:** According to Mirzaei Ahranjani's three-pronged theory, 7 underlying factors, 9 behavioral factors and 6 structural factors as factors affecting the promotion of participatory criminal policy were counted and agreed upon by the experts.

**Results:** In order to maximal use of the capacity of people and institutions to achieve the goals of participatory criminal policy, the police must make changes in the structure, behavior and context, based on the factors identified in this study.

**Keywords:** Iranian police, Criminal policy, Participation, Crime prevention.

---

1 PhD Candidate in Crime Prevention Management, Amin Police University, Tehran, Iran (Corresponding Author). Email: ahmadseyed1355@gmail.com

2 PhD Candidate in Crime Prevention Management, Amin Police University, Tehran, Iran.

3 PhD Candidate in Crime Prevention Management, Amin Police University, Tehran, Iran.

4 Assistant Professor, Department of Criminology, Amin Police University, Tehran, Iran.

فصلنامه پژوهش‌های دانش انتظامی، سال بیست و دوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۹

صص ۲۰۵-۲۳۲

## شناسایی عوامل مؤثر بر ارتقاء سیاست جنایی مشارکتی در نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران

سید احمد موسوی<sup>۱</sup>، سعدی عزیزی<sup>۲</sup>، محمد بارانی<sup>۳</sup>، مسعود یاراحمدی<sup>۴</sup>

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۵/۱۵ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۸/۰۳

### چکیده

**زمینه و هدف:** کشورهای دارای سیاست جنایی پویا، دارای سازمان‌های پلیسی بر مبنای رویکرد جامعه‌محور هستند که به جای تکیه بر ابزارهای سرکوبگرانه در برخورد با بزهکاری در سایه برقراری تعامل گسترده و سازنده با همه ارکان جامعه به ویژه مردم و نهادهای اجتماعی از حمایت‌های جامعه در برقراری نظم عمومی برخوردار می‌شوند. چنین تعاملی نماد بارزی از مفهوم سیاست جنایی مشارکتی است. شناسایی عوامل مؤثر بر ارتقاء سیاست جنایی مشارکتی در نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران هدف این پژوهش بوده است.

**روش پژوهش:** این مطالعه با رویکرد کیفی و به روش دلفی انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش، شامل ۱۵ نفر از اساتید دانشگاه علوم انتظامی امین و مسئولین معاونت اجتماعی ناجا و رده‌های مختلف پلیس‌های تخصصی ستاد ناجا، با تحصیلات کارشناسی ارشد و دکترا در رشته‌های حقوق، جامعه‌شناسی و مدیریت، با مشاغل علمی و عملی مرتبط با پیشگیری از جرم بوده که به صورت هدفمند انتخاب گردیدند و نظرات آنان طی سه مرحله اجرای پنل دلفی جمع‌آوری و با نرم‌افزار SPSS و آزمون آماری t تک نمونه‌ای تحلیل شد.

**یافته‌ها:** بر اساس نظریه سه شاخگی میرزایی اهرنجانی ۷ عامل زمینه‌ای ۹ عامل رفتاری و ۶ عامل ساختاری به عنوان عوامل مؤثر بر ارتقاء سیاست جنایی مشارکتی توسط خبرگان احصاء و مورد توافق قرار گرفت.

**نتیجه‌گیری:** پلیس برای استفاده حداکثری از ظرفیت مردم و نهادها، در دستیابی به اهداف سیاست جنایی مشارکتی باید تغییراتی را در ساختار، رفتار و زمینه، بر اساس عوامل شناسایی شده در این تحقیق انجام دهد.

**کلیدواژه‌ها:** پلیس ایران، سیاست جنایی، مشارکت، پیشگیری از جرم.

۱. دانشجوی دکتری مدیریت پیشگیری از جرم دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

[ahmadseyed1355@gmail.com](mailto:ahmadseyed1355@gmail.com)

۲. دانشجوی دکتری مدیریت پیشگیری از جرم دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران

۳. استادیار گروه جرم‌شناسی دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران

۴. دانشجوی دکتری مدیریت پیشگیری از جرم دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران

## مقدمه

اصطلاح و مفهوم سیاست جنایی، برای نخستین بار توسط دانشمند آلمانی، آنسلم فون فوئر باخ<sup>۱</sup> در کتاب حقوق کیفری او در سال ۱۸۰۳ به کار برده شده است. فوئر باخ سیاست جنایی را «مجموعه‌ی شیوه‌های سرکوبگرانه‌ای که دولت با استفاده از آن‌ها علیه جرم واکنش نشان می‌دهد» تعریف کرده و بدین ترتیب مفهوم مضیقی از آن به دست داده است که در حقیقت همان سیاست کیفری است (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۹۰: ۱۱). این مفهوم در آخرین تعریف از سیاست جنایی، به عقیده استاد دلماس مارتی<sup>۲</sup>، «سیاست جنایی مجموعه روش‌ها و آیین‌هایی است که هیئت (پیکر) اجتماع با استفاده از آن‌ها، پاسخ‌های مختلف به پدیده مجرمانه را سازمان می‌بخشد» (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۹۰: ۱۶). سیاست جنایی مشارکتی یعنی «سیاست جنایی همراه با مشارکت جامعه مدنی که در چارچوب آن اهرم‌ها و نهادهای دیگر در کنار پلیس و دستگاه قضایی پاسخ به پدیده مجرمانه را سامان می‌بخشد» (جمشیدی، ۱۳۹۰: ۲۳). تغییر در جایگاه و نقش پلیس در زندگی شهری، تغییر و تحول در ساختار زندگی اجتماعی و تغییر در عرصه جرایم، ضرورت تغییر در ساختار پلیس را اجتناب‌ناپذیر کرده است. مهم‌ترین تغییری که در این ارتباط قابل طرح است، تغییر در پیش‌فرض پلیس نسبت به فعالیت خود، یعنی تغییر رویکرد از پلیس تهدید محور به پلیس جامعه‌محور است. در رویکرد تهدید محوری، قبلاً پلیس با کمتر از ۵ درصد جامعه سر و کار داشت (صرفاً افرادی که مرتکب جرم شده یا افرادی که به شکلی برای آن‌ها مشکل به وجود آمده و ناگزیر بودند به مراکز انتظامی مراجعه نمایند) اما در رویکرد جامعه‌محور، پلیس با تعامل اکثریت قریب به اتفاق جامعه علیه ناهنجاری‌های اجتماعی، جرم و بزه‌کاری بسیج می‌شود (معاونت اجتماعی ناجا، ۱۳۸۳: ۱۱).

1. Anselm Feuerbach  
2. Delmas-Marty, Mireille

اهمیت و ضرورت تحقیق: در صورت شناسایی دقیق عوامل مؤثر بر ارتقاء سیاست جنایی مشارکتی در پلیس ایران و تقویت این عوامل، ضمن افزایش اثربخشی عملکرد پلیس، می‌توان به کاهش نرخ وقوع جرم و پیشگیری از جرایم و آسیب‌های اجتماعی امیدوار بود. در غیر این صورت ضمن کاهش اثربخشی پلیس در مأموریت‌ها، پلیس به تنهایی و بدون مشارکت مردم و سازمان‌های دیگر، قادر نخواهد بود نسبت به استقرار پایدار نظم و امنیت اجتماعی اقدام کرده و در پیشگیری و کاهش جرایم موفق عمل کند.

امروزه در کشورهایی که دارای یک سیاست جنایی پویا و روزآمد هستند، سازمان‌های پلیسی بر اساس یک رویکرد جامعه‌محور به جای تکیه بر ابزارها و روش‌های سنتی سرکوبگرانه و قهرآمیز در برخورد با بزه‌کاری در سایه برقرار تعامل گسترده و سازنده با همه ارکان جامعه به ویژه مردم و نهادهای اجتماعی از حمایت‌های مادی و معنوی جامعه در برقراری نظم عمومی و امنیت اجتماعی بهره‌مند می‌شوند. این سازمان در تعامل با جامعه، دیدگاه‌های آحاد مختلف مردم در خصوص نیازهای واقعی ایشان در حوزه نظم و امنیت را می‌سنجد و از نتایج این سنجش، در برنامه‌ریزی پیشگیری از جرم و ارائه خدمات انتظامی بهتر به مردم استفاده می‌کند. از سوی دیگر، جلب اعتماد مردم نسبت به پلیس، موجب همکاری و مشارکت عمومی وسیع‌تری در عرصه کنترل و مهار جرم و در نهایت منجر به برقراری نظم عمومی و امنیت اجتماعی می‌شود. در واقع، رویکرد جامعه‌محور پلیس در پیشگیری از جرم، مبتنی بر این باور است که مقوله نظم و امنیت جامعه، مفاهیمی عمومی و از ضروریات زندگی اجتماعی بشر هستند، بنابراین دستیابی به آن‌ها نیازمند همکاری پلیس و جامعه است (فتح‌اللهی و وروایی، ۱۳۸۸: ۱۸۱). در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ ناجا سازمانی است، مظهر اقتدار ملی، پیشرو، با هویتی اسلامی، انقلابی و ولایی، دارای جایگاه برتر و الگوی پلیس‌های منطقه و جهان اسلام

(مرکز مطالعات راهبردی ناجا، ۱۳۹۵: ۳۴) و هدف کلان ناجا ایجاد و ارتقاء امنیت پایدار مردم پایه با بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های دولتی و مردمی در جمهوری اسلامی ایران ذکر شده است (مرکز مطالعات راهبردی ناجا، ۱۳۹۵: ۵۵). در این راستا ناجا برنامه‌های مختلفی را برای مشارکت هدفمند و مؤثر مردم در تأمین امنیت پایدار کشور طراحی و اجرا کرده است و شناسایی عوامل مؤثر بر ارتقاء سیاست جنایی مشارکتی در پلیس ایران، می‌تواند کمک شایسته‌ای برای دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز ناجا باشد. هدف مهم سیاست جنایی مشارکتی، تضمین حق امنیت جامعه با ترکیب هوشمندانه پیشگیری و پاسخ‌دهی و بازپذیرسازی اجتماعی بزهکاران است. در واقع تأمین امنیت به عنوان نتیجه مبارزه با پدیده مجرمانه، خود هدف عمده‌ای است که با مشارکت مردم تحقق می‌یابد (جمشیدی، ۱۳۹۰: ۲۴). به نظر می‌رسد پلیس در اواخر دهه ۷۰ شمسی با گسترش خدمات پلیسی و فراهم کردن زمینه مشارکت و تعامل فعال شهروندان با پلیس، زمینه را برای اجرای سیاست جنایی مشارکتی مهیاتر کرده است. با اجرای طرح‌ها و برنامه‌هایی مانند مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰، مرکز نظارت همگانی (۱۹۷)، پلیس محله (نگهبان محله)، همیاران پلیس، پلیس افتخاری، طراحی، برنامه‌ریزی و برگزاری مراسم گرامیداشت هفته نیروی انتظامی، اجرای طرح مدیریت کیفیت نیروی انتظامی (مکنا) ضمن افزایش رضایت مردم از خدمات پلیس، شرایط لازم برای مشارکت جامعه مدنی با پلیس در پیشگیری و پاسخ به پدیده مجرمانه فراهم شده است. تدابیر و اقدام‌های صورت گرفته، افزایش احساس امنیت در جامعه، پیشگیری از وقوع جرم و ارائه خدمات مطلوب انتظامی به مردم را در پی داشته است. اما برای رسیدن به هدف مهم سیاست جنایی مشارکتی که پیشگیری، پاسخ‌دهی و بازپذیرسازی اجتماعی بزهکاران است باید برنامه‌ریزی و سازماندهی راهبردی داشت تا نتایج بهتری به دست آید.

### سؤال اصلی

عوامل مؤثر بر ارتقاء سیاست جنایی مشارکتی در نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران کدام است؟

### سؤالات فرعی

۱. عوامل زمینه‌ای مؤثر بر ارتقاء سیاست جنایی مشارکتی در پلیس ایران چیست؟
۲. عوامل رفتاری مؤثر بر ارتقاء سیاست جنایی مشارکتی در پلیس ایران چیست؟
۳. عوامل ساختاری مؤثر بر ارتقاء سیاست جنایی مشارکتی در پلیس ایران چیست؟

### مبانی نظری

موفقیت سازمان عبارت از دستیابی به توفیقات بلندمدت و مستمر سازمان‌ها در مأموریت‌ها و مسئولیت‌ها (صادق پور و مقدس، ۱۳۷۷)؛ بنابراین موفقیت یک سازمان به معنای دستیابی آن سازمان به اهداف تعیین شده در دوره زمانی مشخص است و موفقیت یک مدیر عبارت است از شاخصی که نحوه‌ی انجام کار را، با بهترین روش انجام آن کار استاندارد مقایسه می‌کند. کارایی یعنی انجام درست کار و اثربخشی به معنی کار درست و صحیح است (دیوید<sup>۱</sup>، ۱۳۹۴: ۴۹). عوامل حیاتی موفقیت (CSF)<sup>۲</sup> و عوامل کلیدی موفقیت (KSF<sup>۳</sup>) همیشه مترادف هم نیستند بلکه عوامل حیاتی موفقیت زیرمجموعه عوامل کلیدی موفقیت هستند. عوامل کلیدی موفقیت آن دسته از عوامل موفقیتی هستند که ضریب اهمیت بیشتری برای سازمان داشته و مهم‌تر هستند. عوامل حیاتی موفقیت (CSF) عوامل کلیدی هستند که در رابطه با تحقق راهبرد سازمان پراهمیت‌ترین عوامل محسوب می‌شوند. عوامل حیاتی موفقیت عواملی هستند که از یک سو با اهداف سازمان ارتباط داشته و برای تحقق اهداف سازمان ضروری هستند (فرج پور، ۱۳۹۳).

---

1. David, Fred R.  
2. Critical Success Factors  
3. Key success factor

**مفهوم سیاست جنایی:** سیاست جنایی در میان اندیشمندان و نویسندگان حقوق‌دان و جرم‌شناس به گونه‌ای مورد بحث قرار گرفته که به طور کلی دو برداشت عمده را از اصطلاح آن می‌توان از هم بازشناخت: (جمشیدی، ۱۳۹۰: ۲۰) عده‌ای از آنجا که پرداختن به پدیده جنایی را تنها در چارچوب حقوق کیفری تصور می‌کنند، هرگونه تدبیر و چاره‌اندیشی درباره‌ی آن را در همین چارچوب می‌گنجانند و بنابراین مفهوم مضیق از سیاست‌گذاری درباره‌ی جرم را به تصویر می‌کشند. برخی نیز چون جرم را پدیده اجتماعی می‌دانند که یک هنجار اجتماعی را نقض می‌کند با اعتقاد به تقدم این چارچوب اجتماعی بر چارچوب کیفری، تدبیر و چاره‌اندیشی درباره‌ی آن را در چارچوبی وسیع‌تر از نظام کیفری تصور کرده‌اند و پیرو مفهوم موسع سیاست جنایی‌اند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۰: ۲۴). می‌توان با استفاده از عناصری از تعاریف سنتی یا مدرن موجود به باز تعریفی توسعه محور از سیاست جنایی دست یازید و گفت «سیاست جنایی گستره‌ای از تدابیر توسعه محور است که به صورتی مستقیم یا غیرمستقیم کنش‌ها و واکنش‌های ماقبل پیشگیری، پیشگیرانه یا سزا دهنده را از سوی پیکره اجتماع، در رویارویی با پدیده‌ی بزه‌کاری ساماندهی می‌کند.» (جمشیدی، ۱۳۹۰: ۲۰)

در تحلیل ساختاری سیاست جنایی، از نظر ماهیت، مراجع پاسخ‌دهی به پدیده مجرمانه به شرح زیر بررسی می‌شوند.

۱- **سیاست جنایی تقنینی:** سیاست جنایی تقنینی را نه تنها بایستی نخستین لایه سیاست جنایی (لواسور، ۱۳۷۲: ۲۵۹) محسوب نمود بلکه آن را در واقع بایستی هسته اصلی سیاست جنایی (لازرژ، ۱۳۸۲: ۹۵) و تعیین‌کننده نوع پاسخ در قبال پدیده‌های مجرمانه تصور نمود. بر این اساس سیاست جنایی تقنینی عبارت است از «تدبیر و چاره‌اندیشی قانون‌گذار در مورد جرم و پاسخ به آن که با توجه به وابستگی سیاست جنایی به نظام سیاسی هر کشور حالت‌های مختلفی به خود می‌گیرد».

۲- **سیاست جنایی قضایی:** سیاست جنایی قضایی نیز به معنای «نحوه استنباط و برداشت دستگاه قضایی از سیاست جنایی تقنینی و نحوه‌ی اعمال قوانین و مقررات مربوط است» (لواسور، ۱۳۷۲:۲۶۱) بدین معنا که ممکن است هر یک از محاکم برداشت خاص خود را نسبت به موضوع واحد ارائه نمایند. نهایتاً این تنوع در برداشت منتج به اصل متغیر بودن تفسیر قواعد حقوق کیفری می‌گردد.

۳- **سیاست جنایی اجرایی:** سومین رکن در راستای سیاست جنایی واحد در سطح ملی، سیاستی است که از سوی قوه مجریه به عنوان رکن اجرایی کشور در راستای تطبیق و اجرای سیاست‌های جنایی اتخاذ شده از سوی قوه مقننه، در پیش گرفته می‌شود؛ بنابراین «سیاست قوه مجریه در زمینه کنترل جرم که ناظر بر چگونگی اجرای قوانین و رویه قضایی موجود است، سیاست جنایی اجرایی را تشکیل می‌دهد که نقش پلیس در آن اهمیت ویژه‌ای دارد» (لواسور، ۱۳۷۲:۲۶۳).

۴- **سیاست جنایی مشارکتی:** سیاست جنایی مشارکتی یعنی «سیاست جنایی همراه با مشارکت جامعه‌ی مدنی که در چارچوب آن اهرم‌ها و نهادهای دیگر در کنار پلیس و دستگاه قضایی پاسخ به پدیده مجرمانه را سامان می‌بخشد. این همکاری و مشارکت ضامن اعتبار بخشیدن طرح تنظیم شده قوای مقننه و مجریه در زمینه سیاست جنایی، یا همان شرکت دادن مردم در مقابله با پدیده مجرمانه است» (لواسور، ۱۳۷۲:۲۶۵)

### پیشینه پژوهش

گونزالز<sup>۱</sup> (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان مشارکت به عنوان یک دریچه ایمنی: اصلاحات پلیس از طریق امنیت مشارکتی در آمریکای لاتین، به این نتیجه رسیده است که سیاستمداران مشارکت را به عنوان دریچه ایمنی برای تفکیک نارضایتی اجتماعی انتخاب می‌کنند، به ویژه هنگامی که روابط پلیس و جامعه شکننده باشد و ظرفیت و

1. González



منابع پلیس کم باشد. این مطالعه با استفاده از شواهد کیفی از استان بوینوس آیرس، ایالت سائوپائولو و کلمبیا، نشان می‌دهد که مشارکت می‌تواند طیف وسیعی از اهداف استراتژیک را ارائه دهد که به نوبه خود، طراحی نهادی مکانیسم مشارکت را شکل می‌دهد. شرورس و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان مشارکت شهروندان در حوزه پلیس: نقش نگرش و اخلاق شهروندان به این نتیجه رسیده‌اند که چهار نوع رفتار مشارکت قابل تشخیص است: کنترل اجتماعی، مشارکت پاسخگو، مشارکت مبتنی بر همکاری و شناسایی. میزان پایبندی افراد به ارزش‌های اخلاقی به عنوان یک مبنای مهم (غیرمستقیم) برای رفتار مشارکت شهروندان در مورد امنیت محلات است. علاوه بر این، نگرش شهروندان نسبت به سیاست‌های اجتماعی در هر چهار نوع مشارکت تأثیر داشته است، در حالی که احساسات اخلاقی تنها در کنترل اجتماعی و رفتار پاسخگو نقش مهمی دارند. احمدی مقدم و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان شناسایی عوامل حیاتی موفقیت ناجا تا پایان سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ و ارائه الگوی مدیریت راهبردی به این نتیجه رسیده‌اند که عوامل حیاتی موفقیت یک سازمان، تعداد محدودی از گلوگاه‌ها و پیشران‌هایی است که اگر مدیر سازمان با اصول مدیریت راهبردی آشنا باشد موجب موفقیت سازمان در دستیابی به اهداف کلان می‌گردد. بر اساس نظر نخبگان درون و برون‌سازمانی چهار عامل درون‌سازمانی (توسعه سازمان‌ها، راهبرد تعامل‌گرایی، فناوری‌های نوین، رضایت‌مندی کارکنان و دو عامل برون‌سازمانی تعامل با ارکان امنیت ساز، جلب مشارکت‌های مردمی) به عنوان عوامل حیاتی موفقیت ناجا (گلوگاه‌ها) شناسایی شدند و یک عامل امنیت سیستم‌ها نیز به عنوان عامل پیشران (شایستگی کلیدی) ناجا شناسایی و در نهایت الگوی مدیریت راهبردی عوامل حیاتی موفقیت ناجا ارائه گردیده است. طالع زاده، گلدوزیان، ابراهیمی (۱۳۹۷) در پژوهشی با

1. Wendy Schreurs et al.

عنوان کارکرد شناسی تحولات پلیس در زمینه پیشگیری، به این نتیجه رسیده‌اند که در کشور ما، نیروی انتظامی با توجه به نتایج جدیدترین مطالعات و تحلیل‌ها، در سال‌های اخیر تلاش کرده است که رویکرد جامعه‌محور داشته باشد و از رویکرد سنتی و تهدید محور فاصله گرفته است؛ زیرا بر اساس رویکرد جامعه‌محوری نیروی‌های پلیس به تنهایی نمی‌توانند روند جرم و بی‌نظمی را مهار و کنترل اجتماعی را اعمال کنند. توفیق در اجرای راهبرد جامعه‌محوری مستلزم افزایش سطح تعاملی پلیس با مردم، حضور مشهود پلیس در جامعه و اطلاع‌رسانی به مردم است. وروایی و چراغ‌آبادی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان مدیریت انتظامی در رویکرد اجتماع‌محوری پیشگیری از جرم، بیان می‌کنند. با توجه به اهمیت موضوع مشارکت سازمان‌های غیردولتی در حوزه امنیت و پیشگیری و کنترل جرایم؛ مسئله اصلی این پژوهش بررسی نقش فعالیت سازمان‌های غیردولتی در کنترل جرایم و هدف از انجام آن نیز، تعیین الگوی مدیریت انتظامی در رویکرد اجتماع‌محوری پیشگیری از جرم است. آن‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که در مدیریت انتظامی رویکرد جامعه‌محوری پیشگیری از جرم باید کارکردهای سازمان‌های غیردولتی در چهار محور هشدار دهنده‌گی، پشتیبانی، شناختی و بازخورد دهنده‌گی تقویت شوند... هاشمی و فرهمند (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان سیاست جنایی مشارکتی پلیس در بسترسازی امنیت اجتماعی محله محور، به این نتیجه رسیده‌اند که در شرایط کنونی جامعه، پلیس زمانی می‌تواند در عرصه تأمین امنیت موفق باشد که از پتانسیل مردمی به عنوان یک سرمایه ملی در سه حوزه آموزش، حمایت و نظارت در مقوله سیاست جنایی مشارکتی پلیسی به نحو صحیح استفاده نماید که این مشارکت جامعه مدنی مستلزم مشارکتی فعال، هدفمند و سنجیده وفق برنامه‌های پیشگیری از جرم می‌باشد. قهرمانی (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان نقش مشارکت مردم در پیشگیری از وقوع جرم به این نتیجه رسیده است که سازوکارها و الزامات مشارکت مردم در تعامل

با پلیس که عبارت است از: گفتگو و همکاری با شهروندان، توانمندسازی مردم با آموزش‌های لازم برای پیشگیری از جرم، توزیع مسئولیت‌های امور پلیس در جامعه و اصلاح روابط و نوع رفتار پلیس، زمینه‌های مناسبی برای تحقق راهبردهای پلیس جامعه‌محور است. حسین زرگری (۱۳۹۰) در پژوهشی خود با عنوان مشارکت پلیس و جامعه محلی در پیشگیری غیر کیفری از جرم، به این نتیجه رسیده است که ایجاد اعتماد بین پلیس و شهروندان محلی و برقراری رابطه‌های مبتنی بر صمیمیت، برای پرورش روحیه همکاری بین این دو نهاد کاملاً ضروری است و نشان می‌دهد که چگونه این امر ممکن است و چگونه می‌توان بین پلیس و مردم پیوندی ناگسستنی به وجود آورد و به آن‌ها فرصت داد تا از قابلیت‌های همدیگر در زمینه مبارزه با جرم استفاده نمایند.

### **الزامات ساختاری، قانونی و اجتماعی در حرکت پلیس به سمت سیاست جنایی مشارکتی:**

از دیرباز کنترل بزه از جنبه محدود بودن منابع و امکانات و سازوکارهای تأمین امنیت، فراتر از ظرفیت نهادهای رسمی و دولتی بوده است (جمشیدی ۱۳۹۰: ۱۷). آمارهای منتشره از قوه قضاییه در خصوص پرونده‌های تشکیل شده در مراجع قضایی و آمار زندانیان کشور که هر سال نسبت به سال‌های گذشته روند افزایشی داشته به خوبی گویای محدودیت‌های نظام عدالت کیفری در پیشگیری و مبارزه با جرایم است؛ بنابراین استفاده از راهبردهای سیاست جنایی مشارکتی در پیشگیری و مبارزه با جرایم ضروری به نظر می‌رسد. در تبصره ۳ ماده ۲۳ قانون استخدام ناجا اجازه داده شده تا از مشارکت‌های مردمی در قالب پلیس افتخاری در تحکیم و توسعه نظم و امنیت اجتماعی بهره‌گیری شود. در این راستا ناجا، پلیس افتخاری را به عنوان بخشی از مشارکت‌های مردمی در تأمین امنیت عمومی سازماندهی کرده است.

با نگاهی به بند ۸ از ماده ۴ و بند ۱۸ از همین ماده مشخص می‌گردد، قانون برای پلیس در مقام پیشگیری از جرم دو نقش قائل شده است. در نقش اول پلیس به عنوان ضابط و در چارچوب سیاست های کیفری یا جنایی و تحت نظارت مقامات قضایی عمل می‌کند و در نقش دوم، پلیس به عنوان یک سازمان و یا نهاد همچون سایر سازمان ها و دستگاههای دولتی و غیر دولتی اقداماتی را (عمدتاً فرهنگی) انجام می‌دهد که جلوه اقدامات اجتماعی پلیس محسوب می‌گردد.

### روش پژوهش

پژوهش حاضر، جزء تحقیقات کاربردی و از نوع توصیفی و تحلیلی بوده است. با بررسی کتب و مقالات متعدد و مصاحبه با اساتید و کارشناسان با تجربه، عوامل مؤثر بر ارتقاء سیاست جنایی مشارکتی پلیس ایران، بر اساس نظریه سه‌شاخگی اهرنجانی (میرزایی اهرنجانی، ۱۳۸۱: ۲۱) در سه بعد زمینه‌ای، رفتاری و ساختاری شناسایی و از عوامل شناسایی شده بر اساس طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت پرسشنامه تهیه شد. از آنجا که در پژوهش حاضر، علاوه بر شناسایی عوامل، اجماع آرا متخصصین مدنظر می‌باشد از روش دلفی استفاده گردید، در این فن به منظور بررسی نگرش‌ها و قضاوت‌های افراد و گروه‌ها، بدون الزام حضور افراد در محل معین، از پرسشنامه‌ها یا ابزارهای دیگری استفاده به عمل می‌آید. سپس با جمع‌بندی و ایجاد توافق میان دیدگاه‌ها و نظرات افراد، مجموعه‌ای از موارد به عنوان نتیجه و برحسب اولویت به دست می‌آید که می‌تواند مبنای تدوین برنامه یا هرگونه تصمیم‌گیری دیگر را تشکیل دهد. (فتحی و اجارگاه، ۱۳۸۲: ۱۲۷). در تحقیق حاضر، اعضای پانل شامل ۱۵ نفر از خبرگان تجربی و علمی این حوزه، با تحصیلات کارشناسی ارشد و دکترا در رشته‌های حقوق، جامعه‌شناسی و مدیریت و سابقه خدمت بالاتر از ۲۰ سال و با مشاغل سازمانی علمی یا عملی پیشگیری و کشف جرم که در موضوع دانش و تخصص داشته و در دانشگاه علوم انتظامی ۳ نفر، معاونت اجتماعی ناجا ۴ نفر و پلیس‌های تخصصی ستاد ناجا ۸ نفر بودند، با روش

نمونه گیری هدفمند انتخاب شدند. پس از تعیین اعضای شرکت کننده در پانل تخصصی، پرسشنامه اولیه تهیه شده و در بین اعضای پانل توزیع شد و در نهایت نظرات آنان با نرم افزار SPSS و آزمون آماری t تک نمونه‌ای تحلیل شد.

### یافته‌های پژوهش

#### یافته‌های توصیفی

برابر جدول شماره (۱)، تحصیلات ۷۳/۴ درصد از خبرگان پژوهش، دکتری و ۲۶/۶ درصد از آن‌ها کارشناسی ارشد بوده است. سنوات خدمت ۲۰ درصد از آن‌ها بین ۲۰ تا ۲۵ سال، ۴۶/۶ درصد بین ۲۵ تا ۳۰ سال و ۳۳/۴ درصد بیشتر از ۳۰ سال بوده است. رشته تحصیلی ۲۶/۶ درصد از آن‌ها مدیریت، ۵۳/۴ درصد حقوق و ۲۰ درصد جامعه‌شناسی بوده است. شغل ۲۶/۶ درصد از آن‌ها مدیرکل، ۵۳/۴ درصد معاون و ۲۰ درصد هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی امین بوده‌اند.

جدول ۱- مشخصات خبرگان مشارکت کننده در پانل دلفی

میزان تحصیلات	درصد	سنوات خدمت	درصد	رشته تحصیلی	درصد	شغل	درصد
کارشناسی ارشد	۲۶/۶	۲۰ تا ۲۵ سال	۲۰	مدیریت	۲۶/۶	مدیرکل	۲۶/۶
دکتری	۷۳/۴	۲۵ تا ۳۰ سال	۴۶/۶	حقوق	۵۳/۴	معاون	۵۳/۴
-----	-----	بیشتر از ۳۰ سال	۳۳/۴	جامعه‌شناسی	۲۰	هیئت علمی	۲۰

#### یافته‌های استنباطی

برابر جدول شماره (۲)، پس از گردآوری پاسخ خبرگان در دور اول دلفی، میانگین و انحراف معیار پاسخ‌ها با استفاده نرم افزار SPSS محاسبه گردید. در نتایج به دست آمده در دور اول دلفی میانگین ۱۶ عامل توسط خبرگان تعیین که همه میانگین‌ها بالاتر از میانگین عددی ۳ در طیف ۵ درجه‌ای لیکرت می‌باشد و میزان انحراف معیار نیز کمتر از عدد ۱ می‌باشد که نشانه فاصله کم داده‌ها از میانگین تجربی است.

جدول شماره ۲- خلاصه آماره‌های توصیفی مرحله اول دلفی

انحراف معیار	میانگین	تعداد پاسخگویان	مفاهیم	ردیف	ابعاد
۰/۵۱	۴/۶۰	۱۵	مشروعیت، مقبولیت و محبوبیت پلیس در جامعه	۱	عوامل زمینه‌ای
۰/۶۴	۴/۴۷	۱۵	احساس مسئولیت مردم در قبال پدیده‌های مجرمانه	۲	
۰/۷۲	۴/۳۳	۱۵	حمایت قانونی، اجتماعی از افراد و نهادهایی که در پیشگیری و کشف جرم مشارکت می‌کنند.	۳	
۰/۸۵	۴/۰۰	۱۵	آموزش همگانی در زمینه اهمیت و نحوه مشارکت مردم و نهادها در پیشگیری و فرایند کشف جرم	۴	
۰/۷۰	۴/۰۷	۱۵	میزان اعتماد مردم نسبت به پلیس	۵	
۰/۷۷	۴/۲۰	۱۵	شفافیت و سلامت اداری کارکنان و سیستم پلیس	۶	عوامل رفتاری
۰/۵۲	۴/۴۷	۱۵	اثربخشی و کارایی پلیس	۷	
۰/۷۲	۴/۳۳	۱۵	دانش اجتماعی، روان‌شناختی و مهارت‌های ارتباطی پلیس	۸	
۰/۶۵	۴/۳۳	۱۵	میزان پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری پلیس	۹	
۰/۷۵	۴/۲۰	۱۵	توجه پلیس به خواسته‌ها و سلاقی مردم در تأمین امنیت	۱۰	
۰/۷۰	۴/۲۷	۱۵	میزان حضور پلیس در اجتماعات (رسمی و غیررسمی) مانند مدارس، مساجد و برقراری ارتباط با مردم	۱۱	
۰/۶۴	۴/۵۳	۱۵	میزان شناخت پلیس از ظرفیت‌های مردمی و نهادها در سطح حوزه مأموریتی	۱۲	
۰/۶۳	۴/۶۰	۱۵	تقویت کمی و کیفی منابع انسانی (زن و مرد) پلیس متناسب با میزان جرم و نیاز جامعه	۱۳	عوامل ساختاری
۰/۶۴	۴/۵۳	۱۵	به‌روز نمودن تجهیزات و امکانات پلیسی	۱۴	
۰/۶۳	۴/۶۰	۱۵	ایجاد ساختار مناسب برای تسهیل ارتباط پلیس با مردم (تسهیل در دسترسی و ارتباط با پلیس)	۱۵	
۰/۵۳	۴/۶۰	۱۵	الزام، تشویق و ترغیب فرماندهان، رؤسا و مدیران در بهره‌گیری از سیاست جنائی مشارکتی	۱۶	

در راند اول دلفی علاوه بر ارزیابی اهمیت مؤلفه‌های تعیین شده توسط پژوهشگر ۱۱ مؤلفه جدید توسط خبرگان اعلام شد که مفاهیم و میزان تکرار آن توسط خبرگان در جدول شماره (۳) درج گردیده است.

جدول ۳- پیشنهادهای اعضای پانل دلفی در خصوص موضوع (بر حسب فراوانی)

ردیف	مفاهیم	فراوانی
۱	میزان رضایت مردم از پلیس	۶
۲	میزان دسترسی مردم به خدمات پلیس	۲
۳	میزان استفاده پلیس از سیستم عدالت ترمیمی در برخورد با پدیده های جنایی	۱
۴	میزان احترام و رافت اسلامی پلیس در برخورد با مردم	۴
۵	آموزش پلیس برای نهادینه کردن بهره گیری از ظرفیت های سیاست جنایی مشارکتی	۵
۶	تعیین فرایندهای، صحیح روشن و مشخص در ارتباط با سیاست جنایی مشارکتی پلیس	۶
۷	اتخاذ سیاست واحد در خصوص سیاست جنایی مشارکتی	۱
۸	حضور عوامل بسیج و پلیس افتخاری در تامین امنیت	۱
۹	اجرای طرح های پلیسی مانند طرح ارتقای امنیت اجتماعی و پاکسازی نقاط آلوده	۱
۱۰	معرفی کامل و دقیق خدمات پلیس به مردم	۱
۱۱	بهبود وضعیت معیشت و پایگاه اجتماعی کارکنان پلیس	۲

### اجرای راند دوم دلفی

پس از اجرای راند اول دلفی به منظور ارزیابی اهمیت عوامل جدید و میزان توافق اعضاء پرسشنامه جدید همراه با میزان اختلاف آنها با دیدگاه سایر خبرگان، مجدداً به اعضای گروه خبره ارسال و نظرات آنان اخذ که نتیجه در جدول شماره (۴) آورده شده است.

جدول شماره ۴- خلاصه آماره‌های توصیفی مرحله دوم دلفی

انحراف معیار	میانگین	تعداد پاسخگويان	مفاهيم	ردیف	ابعاد
۰/۶۴	۴/۴۷	۱۵	مشروعیت، مقبولیت و محبوبیت پلیس در جامعه	۱	عوامل زمینه‌ای
۰/۸۳	۴/۴۰	۱۵	احساس مسئولیت مردم در قبال پدیده‌های مجرمانه	۲	
۰/۶۳	۴/۴۰	۱۵	حمایت قانونی، اجتماعی از افراد و نهادهایی که در پیشگیری و کشف جرم مشارکت می‌کنند.	۳	
۰/۵۱	۴/۶۰	۱۵	آموزش همگانی در زمینه اهمیت و نحوه مشارکت مردم و نهادها در پیشگیری و فرایند کشف جرم	۴	
۰/۵۲	۴/۵۳	۱۵	میزان اعتماد مردم نسبت به پلیس	۵	
۰/۶۳	۴/۴۰	۱۵	میزان رضایت مردم از پلیس	۶	
۰/۵۲	۴/۴۷	۱۵	میزان دسترسی مردم به خدمات و پاسخگویی پلیس	۷	
۰/۸۰	۱/۷۳	۱۵	اتخاذ سیاست واحد در سطح سازمان‌ها در خصوص سیاست جنایی مشارکتی	۸	
۰/۵۶	۱/۸۰	۱۵	معرفی کامل و دقیق خدمات پلیس به مردم	۹	
۰/۵۲	۴/۴۷	۱۵	شفافیت و سلامت اداری کارکنان و سیستم پلیس	۱۰	
۰/۵۲	۴/۴۷	۱۵	اثربخشی و کارایی پلیس	۱۱	
۰/۵۱	۴/۴۰	۱۵	دانش اجتماعی، روان‌شناختی و مهارت‌های ارتباطی پلیس	۱۲	
۰/۵۱	۴/۶۰	۱۵	میزان پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری پلیس	۱۳	
۰/۶۳	۴/۶۰	۱۵	توجه پلیس به خواسته‌ها و سلايق مردم در تأمین امنیت	۱۴	
۰/۴۹	۴/۳۳	۱۵	میزان حضور پلیس در اجتماعات (رسمی و غیررسمی) مانند مدارس، مساجد و برقراری ارتباط با مردم	۱۵	
۰/۵۲	۴/۵۳	۱۵	میزان شناخت پلیس از ظرفیت‌های مردمی و نهادها در سطح حوزه مأموریتی	۱۶	
۰/۴۶	۴/۷۳	۱۵	میزان استفاده پلیس از سیستم عدالت ترمیمی در برخورد با پدیده‌های جنایی	۱۷	



۰/۵۲	۴/۵۳	۱۵	میزان احترام و رأفت اسلامی پلیس در برخورد با مردم	۱۸	عوامل شناختاری
۰/۷	۱/۹۳	۱۵	اجرای طرح‌های پلیسی مانند طرح ارتقای امنیت اجتماعی و پاک‌سازی نقاط آلوده	۱۹	
۰/۵۲	۴/۵۳	۱۵	تقویت کمی و کیفی منابع انسانی (زن و مرد) پلیس متناسب با میزان جرم و نیاز جامعه	۲۰	
۰/۵۱	۴/۴۰	۱۵	به‌روز نمودن تجهیزات و امکانات پلیسی	۲۱	
۰/۵۲	۴/۵۳	۱۵	ایجاد ساختار مناسب برای تسهیل ارتباط پلیس با مردم (تسهیل در دسترسی و ارتباط با پلیس)	۲۲	
۰/۴۶	۴/۷۳	۱۵	الزام، تشویق و ترغیب فرماندهان، رؤسا و مدیران در بهره‌گیری از سیاست جنایی مشارکتی	۲۳	
۰/۳۵	۴/۱۳	۱۵	آموزش پلیس برای نهادینه کردن بهره‌گیری از ظرفیت‌های سیاست جنایی مشارکتی	۲۴	
۰/۷۰	۱/۹۳	۱۵	تعیین فرایندهای، صحیح روشن و مشخص در ارتباط با سیاست جنایی مشارکتی پلیس	۲۵	
۰/۸۳	۱/۵۳	۱۵	حضور عوامل بسیج و پلیس افتخاری در تأمین امنیت	۲۶	
۰/۸۲	۱/۳۳	۱۵	بهبود وضعیت معیشت و پایگاه اجتماعی کارکنان پلیس	۲۷	
آزمون کندال: ۰/۵۵۴					

### اجرای راند سوم دلفی

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، پس از گردآوری پاسخ خبرگان در دور دوم دلفی، میزان توافق اعضا و با محاسبه ضریب توافق کندال برای پرسشنامه‌ها بررسی و توافق بین خبرگان آزمون گردید. ضریب توافق بیشتر از ۰/۵ گردیده است که نشان می‌دهد خبرگان بر میزان اهمیت عوامل تعیین شده موافق هستند، لذا از آنجا که ۵ عامل میانگین کمتر از میانگین تجربی کسب کردند، دور سوم دلفی نیز مانند دور دوم اجرا و میانگین و ضریب توافق محاسبه گردید که نتیجه این دور در جدول شماره ۵ درج گردیده است.

جدول شماره ۵- خلاصه آماره‌های توصیفی مرحله سوم دلفی

انحراف معیار	وزن	پاسخگویان	مفاهیم	ردیف	ابعاد
۰/۵۲	۴/۴۷	۱۵	مشروعیت، مقبولیت و محبوبیت پلیس در جامعه	۱	عوامل زبدهای
۰/۵۱	۴/۶۰	۱۵	احساس مسئولیت مردم در قبال پدیده‌های مجرمانه	۲	
۰/۵۲	۴/۴۷	۱۵	حمایت قانونی، اجتماعی از افراد و نهادهایی که در پیشگیری و کشف جرم مشارکت می‌کنند.	۳	
۰/۵۱	۴/۴۰	۱۵	آموزش همگانی در زمینه اهمیت و نحوه مشارکت مردم و نهادها در پیشگیری و فرایند کشف جرم	۴	
۰/۴۹	۴/۳۳	۱۵	میزان اعتماد مردم نسبت به پلیس	۵	
۰/۴۶	۴/۲۷	۱۵	میزان رضایت مردم از پلیس	۶	
۰/۴۶	۴/۲۷	۱۵	میزان دسترسی مردم به خدمات و پاسخگویی پلیس	۷	
۰/۵۱	۱/۶۰	۱۵	اتخاذ سیاست واحد در سطح سازمان‌ها در خصوص سیاست جنایی مشارکتی	۸	
۰/۴۶	۱/۷۳	۱۵	معرفی کامل و دقیق خدمات پلیس به مردم	۹	
۰/۳۵	۴/۱۳	۱۵	شفافیت و سلامت اداری کارکنان و سیستم پلیس	۱۰	
۰/۴۱	۴/۲۰	۱۵	اثربخشی و کارایی پلیس	۱۱	عوامل رفتاری
۰/۴۱	۴/۲۰	۱۵	دانش اجتماعی، روان‌شناختی و مهارت‌های ارتباطی پلیس	۱۲	
۰/۴۱	۴/۲۰	۱۵	میزان پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری پلیس	۱۳	
۰/۴۹	۴/۳۳	۱۵	توجه پلیس به خواسته‌ها و سلاقی مردم در تأمین امنیت	۱۴	
۰/۳۵	۴/۱۳	۱۵	میزان حضور پلیس در اجتماعات (رسمی و غیررسمی) مانند مدارس، مساجد و برقراری ارتباط با مردم	۱۵	
۰/۵۱	۴/۶۰	۱۵	میزان شناخت پلیس از ظرفیت‌های مردمی و نهادها در سطح حوزه مأموریتی	۱۶	
۰/۴۶	۴/۲۷	۱۵	میزان استفاده پلیس از سیستم عدالت ترمیمی در برخورد با پدیده‌های جنایی	۱۷	
۰/۴۱	۴/۲۰	۱۵	میزان احترام و رأفت اسلامی پلیس در برخورد با مردم	۱۸	

۰/۳۵	۱/۸۷	۱۵	اجرای طرح‌های پلیسی مانند طرح ارتقای امنیت اجتماعی و پاک‌سازی نقاط آلوده	۱۹	و ر ت ب ن
۰/۴۱	۴/۲۰	۱۵	تقویت کمی و کیفی منابع انسانی (زن و مرد) پلیس متناسب با میزان جرم و نیاز جامعه	۲۰	
۰/۵۲	۴/۵۳	۱۵	به‌روز نمودن تجهیزات و امکانات پلیسی	۲۱	
۰/۵۱	۴/۴۰	۱۵	ایجاد ساختار مناسب برای تسهیل ارتباط پلیس با مردم (تسهیل در دسترسی و ارتباط با پلیس)	۲۲	
۰/۵۱	۴/۶۰	۱۵	الزام، تشویق و ترغیب فرماندهان، رؤسا و مدیران در بهره‌گیری از سیاست جنایی مشارکتی	۲۳	
۰/۴۶	۴/۷۳	۱۵	آموزش پلیس برای نهادینه کردن بهره‌گیری از ظرفیت‌های سیاست جنایی مشارکتی	۲۴	
۰/۳۵	۴/۱۳	۱۵	تعیین فرایندهای، صحیح روشن و مشخص در ارتباط با سیاست جنایی مشارکتی پلیس	۲۵	
۰/۵۲	۱/۴۷	۱۵	حضور عوامل بسیج و پلیس افتخاری در تأمین امنیت	۲۶	
۰/۵۱	۱/۴۰	۱۵	بهبود وضعیت معیشت و پایگاه اجتماعی کارکنان پلیس	۲۷	
آزمون کنдал: ۰/۶۲۲					

ضریب توافق کنдал در پایان راند سوم به میزان ۰/۶۲۲ به دست آمد که نشان می‌دهد اعضای پانل دلفی به میزان ۶۴ درصد با یکدیگر توافق دارند که این میزان توافق برای پایان اجرای راند دلفی مناسب است. در نتیجه میانگین ۲۲ عامل بالاتر از میانگین تجربی بوده که به عنوان عوامل مؤثر قلمداد و ۵ عامل که میانگین کمتر از عدد ۳ را به دست آوردند از لیست عوامل حذف گردیدند.

### بحث و نتیجه‌گیری

طی سال‌های اخیر، با گرایش پلیس به رویکرد جامعه‌محوری چشم‌انداز امیدوارکننده‌ای در روابط پلیس - مردم رقم خورده است. نیروی انتظامی در رویکرد جدید خویش، ضمن کوشش برای انجام بهتر، سریع‌تر و به هنگام خدمات پلیسی خود، درصدد است تا بخشی از وظایف خود را از طریق مردم و توسط آن‌ها انجام دهد. برای این منظور ساماندهی مشارکت‌های مردمی، حمایت از تشکل‌های غیردولتی، برقراری و

تعمیق ارتباط با بخش‌های مختلف جامعه و دستگاه‌ها از راهبردهای اساسی ناجا است. تغییراتی مانند تخصصی شدن امور پلیسی، گسترش واحدهای پیشگیری از جرم و توسعه واحدهای پلیس زن که سال‌های اخیر در ساختار پلیس صورت گرفته متأثر از این تغییر رویکرد است؛ اما این تغییرات برای استفاده همه‌جانبه از ظرفیت‌های بستر اجتماع در راستای پیشگیری از جرم کافی نمی‌باشد. این پژوهش عوامل مؤثر بر ارتقاء سیاست جنایی مشارکتی پلیس ایران را با استفاده از نظر خبرگان و بر اساس نظریه سه‌شاخگی اهرنجانی در سه بعد زمینه‌ای، ساختاری و رفتاری شناسایی نموده است.

**عوامل زمینه‌ای:** عواملی است که در محیط بیرونی سازمان وجود داشته و بر سازمان تأثیر گذاشته و از سازمان تأثیر می‌پذیرند ولی در کنترل سازمان نیستند. از این رو، همه علل و عواملی که امکان برقراری، تنظیم و واکنش به موقع و مناسب سازمان نسبت به سایر نظام‌ها را فراهم می‌آورند، زمینه یا محیط نامیده می‌شوند.

۱- میزان مشروعیت، مقبولیت و محبوبیت پلیس در جامعه: این عامل بیانگر میزان اقتدار ادراک شده مردم از پلیس است به این معنی که اگر مردم پلیس را مقتدر بدانند به مشارکت با پلیس در فرآیند سیاست جنایی مشارکتی بیشتر ترغیب می‌شوند. این نتیجه با نتایج قهرمانی (۱۳۹۰) و حسین زرگری (۱۳۹۰) هم‌راستا است.

۲- میزان احساس مسئولیت مردم در قبال پدیده‌های مجرمانه؛ تأثیر این عامل به نحوی است که مردم هراندازه نسبت به اجتماع و هم‌نوعان خود احساس مسئولیت کنند در مشارکت با پلیس همکاری بیشتری خواهند داشت. این نتیجه با نتایج حسین زرگری (۱۳۹۰) هم‌راستا است.

۳- حمایت‌های قانونی، اجتماعی و تشویق افراد و نهادهای مشارکت‌کننده در پیشگیری، بدون شک حمایت‌های حاکمیت و اجتماع از مشارکت‌کنندگان در افزایش

مشارکت مردم در فرایند کشف و پیشگیری از جرم مؤثر است. این نتیجه با نتایج جهانتاب و داودی (۱۳۹۱) هم‌راستا است.

۴- آموزش همگانی در زمینه اهمیت و نحوه مشارکت مردم و نهادها در پیشگیری و فرایند کشف جرم؛ بدان معنی است که اگر افراد جامعه و نهادها از طریق ممکن، از جمله رسانه‌های ارتباط جمعی، حضور پلیس در اجتماعات و نهادهای رسمی و غیررسمی و... در خصوص نحوه مشارکت با پلیس در فرایند کشف و پیشگیری از جرم توجه شوند و آموزش‌های لازم در این زمینه داده شود تمایل بیشتری به همکاری با پلیس خواهند داشت. این نتیجه با نتایج طالع زاده و گلدوزیان (۱۳۹۷)، رحیمی و همکاران (۱۳۹۷) و وروایی و چراغ‌آبادی (۱۳۹۵) هم‌راستایی دارد.

۵- میزان اعتماد مردم نسبت به پلیس؛ به همان اندازه که مردم پلیس را رازدار و حامی خود ببینند در فرایند کشف و پیشگیری از جرم مشارکت می‌کنند. این یافته با نتایج شروس و همکاران (۲۰۱۸)، رحیمی و همکاران (۱۳۹۷) و هاشمی و فرهنگد (۱۳۹۲) همسویی دارد.

۶- میزان رضایت مردم از پلیس؛ بر اساس یافته‌های این تحقیق، میزان رضایت مردم از عملکرد پلیس یکی از عوامل مؤثر در میزان مشارکت است. این نتیجه با نتایج شروس و همکاران (۲۰۱۸) همخوانی دارد.

۷- میزان دسترسی مردم به خدمات پلیس؛ چنانچه پلیس در خدمات‌رسانی به مردم و نهادها در کنار آن‌ها باشد و خدماتی با کیفیت بالا ارائه دهد مردم و نهادها به مشارکت با پلیس بیشتر ترغیب خواهند شد.

**عوامل ساختاری:** این عوامل دربرگیرنده تمام عناصر، عوامل و شرایط فیزیکی و غیرانسانی سازمان است که بانظم، قاعده و ترتیب خاص و به هم پیوسته، چارچوب، قالب، پوسته و بدنه فیزیکی و مادی سازمان را می‌سازد؛ بنابراین تمام منابع مادی، مالی،

اطلاعاتی و فنی که با ترکیب خاصی در بدنه کلی سازمان جاری می‌شوند، جزء شاخه ساختاری قرار می‌گیرند.

۱- ایجاد ساختار مناسب برای تسهیل ارتباط مردم با پلیس: هر چند در سال‌های اخیر تغییراتی مانند، راه‌اندازی پلیس پیشگیری، نگهبان محله، دفتر نظارت همگانی و... در ساختار پلیس ایجاد شده است ولیکن این تغییرات بنا به عللی قادر به استفاده حداکثری از ظرفیت‌های مردم و نهادها نبوده است. این نتیجه با نتایج وروایی و چراغ‌آبادی (۱۳۹۲) و قهرمانی (۱۳۹۰) هم‌راستایی دارد.

۲- الزام، تشویق و ترغیب فرماندهان، رؤسا و مدیران در بهره‌گیری از سیاست جنائی مشارکتی: ایجاد تغییر در سازمان‌ها بنا به عللی معمولاً با مقاومت کارکنان مواجه می‌گردد. تغییر رویکرد پلیس از سنتی به رویکرد مشارکتی در پیشگیری از جرم نیز از همین قضیه تبعیت کرده است. الزام، ترغیب و تشویق مدیران همراه با آموزش آنان می‌تواند به عنوان یکی از عوامل موفقیت پلیس در سیاست جنایی مشارکتی قلمداد گردد. این نتیجه با نتایج طالع زاده، گلدوزیان و ابراهیمی (۱۳۹۷) همخوانی دارد.

۳- به‌روز نمودن تجهیزات و امکانات پلیسی: به‌روز بودن تجهیزات پلیسی موجب موفقیت پلیس در برخورد با مجرمین و کشف سریع‌تر جرم شده و اعتماد مردم به پلیس را افزایش و منجر به افزایش مشارکت و همکاری مردم می‌گردد. این نتیجه با نتایج احمدی مقدم و همکاران (۱۳۹۸) هم‌راستایی دارد.

۴- آموزش پلیس برای نهادینه کردن بهره‌گیری از ظرفیت‌های سیاست جنائی مشارکتی: برخی از علل عدم موفقیت ناشی از عدم شناخت کارکنان نسبت به نقش، جایگاه و ظرفیت مردم و نهادها در فرایند پیشگیری و کشف جرم است. بدون شک توجه کارکنان در این زمینه، می‌تواند در موفقیت پلیس در بهره‌گیری از سیاست

جنایی مشارکتی مؤثر باشد. این نتیجه با نتایج هاشمی و فرهمند (۱۳۹۲) رحیمی و همکاران (۱۳۹۷) و جهانتاب و داودی (۱۳۹۱) هم‌راستایی دارد.

۵- تعیین فرایندهای صحیح، روشن و مشخص در ارتباط با سیاست جنایی مشارکتی پلیس: پس از توجیه کارکنان در خصوص اهمیت مشارکت، آن‌ها باید در خصوص نحوه مشارکت با تعیین فرایندهای روشن و مشخص جهت‌دهی و هماهنگ‌نگ شوند. این نتیجه با نتایج رحیمی و همکاران (۱۳۹۷) هم‌راستایی دارد.

**عوامل رفتاری:** این عوامل شامل عوامل مربوط به کارکنان در سازمان هستند. روابط انسانی و الگوهای رفتاری کارکنان در سازمان از این دسته عوامل هستند این عوامل مانند عوامل ساختاری درون سازمان بوده و عوامل محتوایی بخش و زنده سازمانی تلقی می‌شوند.

۱- اثربخشی و کارایی پلیس میزان پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری پلیس: حاصل جمع اثربخشی و کارایی، بهره‌وری است. اثربخشی و کارایی پلیس موجب جلب اعتماد و همکاری مردم می‌گردد. این نتیجه با نتایج عبدی و کاشف (۱۳۹۱) هم‌راستایی دارد.

۲- دانش اجتماعی، روان‌شناختی و مهارت‌های ارتباطی پلیس: بدون تردید یکی از ابزارهای جلب مشارکت مردمی و استفاده از ظرفیت‌های موجود دانش محوری است. چنانچه پلیس از دانش و مهارت مرتبط در حوزه‌های اجتماعی و ارتباطی برخوردار باشد، می‌تواند برای جلب مشارکت و همکاری ارکان جامعه ارتباط مؤثر و سازنده برقرار نماید. این نتیجه با نتایج وروایی و چراغ‌آبادی (۱۳۹۷) هم‌راستایی دارد.

۳- میزان شناخت پلیس از ظرفیت‌های مردمی و نهادها در سطح حوزه مأموریتی: یکی از علل عدم موفقیت پلیس ضعف در شناخت ظرفیت‌ها و توانایی‌های مردم و نهادهای حوزه مأموریتی است، به هر میزان که کارکنان نسبت به جایگاه و پتانسیل جامعه در پیشگیری از جرم اشرافیت داشته باشند، انگیزه توجه به این رویکرد در آن‌ها افزایش

می‌یابد. این نتیجه با نتایج وروایی و چراغ‌آبادی (۱۳۹۷) و حسین زرگری (۱۳۹۰) هم‌راستایی دارد.

۴- میزان حضور پلیس در اجتماعات (رسمی و غیررسمی) مانند مدارس، مساجد و برقراری ارتباط با مردم: حضور مؤثر و هدفمند پلیس در اجتماعات رسمی و غیررسمی می‌تواند سازمان را در شناخت و استفاده از ظرفیت‌های موجود یاری نموده و مردم را در مشارکت ترغیب نماید.

۵- توجه پلیس به خواسته‌ها و سلايق مردم در تأمین امنیت: هم‌راستایی و توجه به سلايق مردم در تأمین امنیت موجب می‌شود تا مردم پلیس را از خود و در خدمت خود دانسته و برای تأمین امنیت مشارکت نمایند. این نتیجه با نتایج وروایی و چراغ‌آبادی (۱۳۹۵) هم‌راستایی دارد.

۶- شفافیت و سلامت اداری کارکنان و سیستم پلیس: شفافیت و سلامت اداری کارکنان و سیستم پلیس موجب افزایش اعتماد مردم از پلیس گردیده و انگیزه آنان برای مشارکت افزایش می‌یابد. این نتیجه با نتایج هاشمی و فرهمند (۱۳۹۲) هم‌راستایی دارد.

۷- میزان استفاده از عدالت ترمیمی در برخورد با پدیده‌های جنائی: سیستم عدالت ترمیمی با لحاظ کردن حقوق بزه دیده، بزه‌کار و اجتماع در فرایند رسیدگی موجب ترمیم روابط بین اجزاء و تحکیم روابط می‌گردد. استفاده از عدالت ترمیمی موجب ارتقاء جایگاه و افزایش محبوبیت پلیس در جامعه شده و مردم را برای همکاری و مشارکت با پلیس در پیشگیری و کشف جرایم ترغیب می‌کند.

### پیشنهادها:

۱- آگاه‌سازی اقشار جامعه در زمینه اهمیت و ضرورت تعامل با پلیس در راستای تأمین امنیت و پیشگیری از جرم و نحوه ارتباط با پلیس از طریق رسانه‌های ارتباط جمعی و حضور پلیس در مدارس، مساجد، اجتماعات رسمی و غیررسمی.



۲- اطمینان بخشی و ایجاد سازوکارهای لازم در خصوص از بین بردن خطرات جانبی همکاری با پلیس به نحوی که شهروندان احساس کنند، چنانچه مواردی را به پلیس گزارش دادند برای خودشان از سوی پلیس و یا از سوی اشخاص مرتبط با موضوع، گرفتاری ایجاد نمی‌شود.

۳- مدیران و کارکنان پلیس در خصوص اهمیت و فواید استفاده از ظرفیت‌های اجتماعی توجیه و ترغیب کردند.

۴- تغییرات کمی و کیفی متناسب با رویکرد سیاست جنایی مشارکتی در ساختار و منابع انسانی سازمان انجام شود.

۵- ایجاد اطمینان در شهروندان از ثمربخش بودن مشارکت آنان با پلیس، به خصوص در مواردی که بزه دیده یا شاهد ارتکاب جرم هستند.

۶- تسهیل در ارتباط و دسترسی به پلیس و افزایش پاسخ‌گویی، شفافیت و سلامت اداری پلیس از طریق استفاده از فناوری‌های نوین

### تقدیر و سپاسگزاری

از اعضای محترم هیئت علمی و مسئولین دانشگاه علوم انتظامی امین، معاونت اجتماعی و پلیس‌های تخصصی ناجا که در انجام این تحقیق، یاری‌گر پژوهشگران بوده‌اند تقدیر می‌شود.

### منابع

۱. احمدی مقدم، اسماعیل؛ رادان، احمدرضا، یعقوبی؛ بیات، بهرام. (۱۳۹۸). شناسایی عوامل حیاتی موفقیت ناجا تا پایان سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ و ارائه الگوی مدیریت راهبردی. فصلنامه پژوهش‌های دانش انتظامی، ۲(۸۳): ۳۴-۱ قابل بازیابی از <http://ensani.ir/fa/article/360831>
۲. جمشیدی، علیرضا. (۱۳۹۰). سیاست جنایی مشارکتی، تهران: انتشارات میزان، چاپ اول.

۳. جهانتاب، محمد؛ داودی، ابراهیم. (۱۳۹۱). ارتقای مشارکت محلی در پیشگیری از جرم. فصلنامه علمی پیشگیری از جرم، ۱۳۹۱(۲۲): ۱۰۷-۱۲۸. قابل بازیابی از [http://cps.jrl.police.ir/article\\_13561.html](http://cps.jrl.police.ir/article_13561.html)
۴. حسین زرگری، معصومه. (۱۳۹۰). مشارکت پلیس و جامعه محلی در پیشگیری غیر کیفری از جرم. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
۵. دلماش مارتی، می ری. (۱۳۸۱). نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: میزان، چاپ نخست.
۶. دیوید، آرفرد. (۱۳۹۴). مدیریت راهبردی، ترجمه علی پارسایان، تهران: انتشارات فرهنگی.
۷. رحیمی، علی؛ علی محسنی، رضا؛ جهانیان، وحید الدین. (۱۳۹۷). بررسی نحوه و تاثیر مشارکت شهروندان با پلیس در برنامه های پیشگیری اجتماعی از جرم (مطالعه موردی: مشارکت شهروندان تهران با پلیس و مقایسه آن با مشارکت شهروندان در کلان شهرهای آمریکا). فصلنامه علمی مطالعات امنیت اجتماعی، ۹(۵۶): ۱-۴۷. قابل بازیابی از [http://sss.jrl.police.ir/article\\_92107.html](http://sss.jrl.police.ir/article_92107.html)
۸. صادق پور، ابوالفضل؛ مقدس، جلال. (۱۳۷۷). نظریه سازمان، مدیریت و علم مدیریت، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی ریاست جمهوری، چاپ هشتم.
۹. طالع زاری، علی؛ گلدوزیان، ایرج؛ ابراهیمی، نصیبه. (۱۳۹۷). کارکرد شناسی تحولات پلیس در زمینه پیشگیری. فصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرم شناسی، ۱(۴۸): ۱۶۰-۱۴۵. قابل بازیابی از [https://jqclcs.ut.ac.ir/article\\_67471.html](https://jqclcs.ut.ac.ir/article_67471.html)
۱۰. عبدی، رمضانعلی؛ کاشف، حمیدرضا. (۱۳۹۴). بررسی راهکارهای توسعه مشارکت مردم با ناجا در طرح ارتقای امنیت اجتماعی. فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات امنیت اجتماعی، ۶(۴۴): ۳۹-۵۵. قابل بازیابی از [http://sss.jrl.police.ir/article\\_11977.html](http://sss.jrl.police.ir/article_11977.html)

۱۱. فتح الهی، سید سیامک؛ وروایی، اکبر. (۱۳۸۸). رویکرد جامعه محور به پیشگیری انتظامی از جرم. مجموعه مقالات نخستین همایش ملی پیشگیری از جرم، تهران: معاونت آموزش ناجا، چاپ اول.
۱۲. فتحی واجارگاه، کورش. (۱۳۸۲). نیازسنجی آموزشی. تهران، انتشارات آبیژ.
۱۳. فرج پور، مهدی. (۱۳۹۳). عوامل موفقیت در بازاریابی و تجاری سازی نتایج پژوهش مراکز تحقیقاتی و مراکز تحقیقات هسته ای. دانشگاه پیام نور، واحد ری.
۱۴. قهرمانی، علی اکبر. (۱۳۹۰). پلیس جامعه محور، نقش مشارکت مردم در پیشگیری از وقوع جرم. فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، ۶(۱۸): ۳۲-۷. قابل بازیابی از [http://cps.jrl.police.ir/article\\_13532.html](http://cps.jrl.police.ir/article_13532.html)
۱۵. لازرژ کریستیان. (۱۳۸۲). درآمدی بر سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: میزان، چاپ اول.
۱۶. لواسور، ژرژ، سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله تحقیقات حقوقی، ۱(۱۱۶): ۴۳۶-۳۹۵. قابل بازیابی از <https://www.noormags.ir/view/fa/creator/131061>
۱۷. مرکز مطالعات راهبردی ناجا. (۱۳۹۵). طرح راهبردی ناجا، تهران، مرکز مطالعات راهبردی ناجا.
۱۸. معاونت اجتماعی ناجا. (۱۳۸۳). سیمای تحولی ناجا. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول.
۱۹. معاونت اجتماعی ناجا. (۱۳۹۲). کتاب جامع عملکرد هفته ناجا، تهران: معاونت اجتماعی ناجا، چاپ اول.
۲۰. میرزایی اهرنجان، حسن. (۱۳۸۱). طرح تفصیلی گسترش افقی نو در شناخت و آسیب شناسی سازمانهای عمومی و دولتی ایران (آب منطقه ای غرب) مرکز پژوهشهای کاربردی دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.
۲۱. نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۹۰). دیباچه مترجم به- ویراست نخست- لازرژ، کریستن، درآمدی به سیاست جنایی، تهران: میزان، چاپ دوم.

۲۲. وروایی، اکبر؛ چراغ آبادی، یوسف. (۱۳۹۵)، مدیریت انتظامی در رویکرد اجتماع محوری پیشگیری از جرم، (مورد مطالعه، سازمان های غیردولتی شهر کرمانشاه).

فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، ۳(۱۱): ۳۴۹-۳۲۵. قابل بازیابی از

[http://pmsq.jrl.police.ir/article\\_18330.html](http://pmsq.jrl.police.ir/article_18330.html)

۲۳. هاشمی، حمید؛ فرهمند، وحید رضا. (۱۳۹۲). سیاست جنایی مشارکتی پلیس در بسترسازی امنیت اجتماعی محله محور. فصلنامه علمی - تخصصی دانش انتظامی پلیس

پایتخت سال ششم، ۴(۱۹): ۳۴-۹. قابل بازیابی از

[http://tehran.jrl.police.ir/article\\_14799.html](http://tehran.jrl.police.ir/article_14799.html)

24. Habibi, A., Sarafrazi, A., Izadyar, S.(2014)."Delphi Technique Theoretical Framework in Qualitative Research1,." The International Journal Of Engineering And Science (IJES) 3(4): 8-13 At Retrieved:

[https://www.ijer.net/search\\_index\\_results.php](https://www.ijer.net/search_index_results.php)

25. González, Y. (2019). Participation as a Safety Valve: Police Reform Through Participatory Security in Latin America. Latin American Politics and Society, 61(2), 68-92.

At Retrieved: <https://www.cambridge.org/core/journals/latin-american-politics-and-society/article/participation-as-a-safety-valve-police-reform-through-participatory->

26. Howell ,M.T. (2010).Critical Success Factors Simplified, London: CRC Press

27. Schreurs, W, Kerstholt, JH, de Vries, PW, Giebels,E. (2018).

Citizen participation in the police domain: The role of citizens' attitude and morality. J Community Psychol. 46: 775- 789 At Retrieved :

<https://onlinelibrary.wiley.com/doi/full/10.1002/jcop.21972>